

نقش مشارکتهای مردمی در تعامل با پلیس جامعه محور در پیشگیری از جرائم

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۷/۰۴

صص: ۹۱-۱۱۳

مهناز امیرپور^۱، محمدعلی محمدیان^۲

چکیده:

وظیفه ذاتی پیشگیری از انواع جرائم در کشورهای مختلف جهان بر عهده پلیس است. برقراری و اجرای صحیح و مناسب این وظیفه در زمان کنونی با توجه به وضعیت جوامع و ابعاد پیچیده ارتکاب جرائم، مستلزم همکاری نهادهای رسمی و جامعه‌ای است. و رکن اصلی رویکرد پلیس جامعه محور مبتنی بر مشارکت مردم، نهادهای رسمی و مردم نهاد جامعه است. جابه جایی و گوناگون شدن انواع جرائم و مشکلات در جامعه، مواجهه بودن با معضل و مشکلات ناشی از سوء مصرف مواد مخدر، اراذل و اوباش محلات و خیابانها، تغییر کیفیت رابطه پلیس با مردم از جمله مواردی است که روند رویکرد پلیس جامعه محور و به تبعیت از آن مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع انواع جرائم را تحت تأثیر قرار داده است. تلاشهای پلیس برای متقاعد کردن یا وادار کردن نهاد های اجتماعی از قبیل مالکین املاک، والدین، متصدیان و صاحبان

^۱- استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران، Mahnaz.amirpour@gmail.com

^۲- دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران، mohammadin424@gmail.com

مشاغل و دستگاه های دولتی محلی ابعاد مهمی از انجام وظیفه پیشگیری از جرم تلقی می شود. جلوه های تعامل و همکاری های پلیس با نهاد های جامعه ای از مشورت پلیس با اعضای مختلف جامعه شروع و تا اجبار نهاد های اجتماعی در پیشبرد اهداف پیشگیری از جرم، پیش می رود و به بیان دیگر باید گفت پیشگیری از انواع جرائم می بایست دغدغه دستگاه های مسئول و نهادهای مردمی باشد و این در حالی است که از پلیس انتظار تام و تمام دارند. کیفیت کار کردهای پلیس در سطوح مختلف و علی الخصوص در سرانگشتان پلیس یعنی نیروهای خط مقدم آن شامل مأمورین واحدهای گشتی و مأمورین کلانتری ها و پاسگاه ها که سرمایه اجتماعی پلیس جامعه محور هستند تبلور پیدا می کند. بنابر این اگر اعتماد مردم به پلیس افزایش و توسعه یابد، اقبال و مشارکت هدفمند مردم در امور انتظامی جامعه نیز رنگ دیگری به خود خواهد گرفت. و از اقدامات مؤثر در این خصوص می توان به گفتگو و همکاری با شهروندان، اجازه دادن به آنها برای مشارکت و همکاری با پلیس، توانمند سازی مردم با دادن انواع آموزشهای لازم به منظور همیاری آنان در پیشگیری از جرم، تسهیم و توزیع مسئولیت پیشگیری از جرائم بین مردم و مسئولین دولتی و بخش خصوصی و اعضای تشکیلات مردم نهاد نام برد.

واژگان کلیدی: پلیس جامعه محور، نهادهای جامعه ای، پیشگیری از جرم، مشارکت مردمی

مقدمه

پلیس از جمله سازمانهای اجتماعی بی نظیر است که نوع نگرش و رویکرد رهبری و مدیریت آن در امور مختلف جامعه و همچنین کار کردهای ساختاری و توانمندی های

کارکنان آن نقش تعیین کننده ای در کیفیت زندگی مردم در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایفا می کند. تحقق این امر مستلزم دارا بودن توانمندی، بصیرت سازمانی مدیران، فرماندهان و کارکنان پلیس است.

پدیده های اجتماعی روز به روز پیچیده تر می شوند و نوع انتظارات مردم از پلیس در دو محور اساسی، یعنی نظم و تأمین امنیت جامعه نیز وارد مرحله جدیدی شده است؛ به گونه ای که پلیس دیگر نمی تواند با راهبردهای سنتی و واکنش تقابلی سرکوبگرانه به چنین انتظاراتی پاسخ به هنگام و مناسب و مثبت دهد. بنابراین پلیس چنانچه بخواهد در این میان به موفقیتی دست یابد، باید گروه های مختلف جامعه را بر اساس ساز و کارهای مشخص با خود همراه کند. اقدامات پیشگیرانه ممکن است در مکان های مختلف از قبیل خانه، مدرسه، مقر پلیس، موسسات فرهنگی و اجتماعی و با مشارکت جامعه مدنی اجرا شود. بحث پیشگیری بر خلاف بحث سرکوبگری تنها در حیطه صلاحیت حاکمیت باقی نمی ماند و قابل تفویض به بخش خصوصی است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۷). طبیعی است تفویض این بخش از ساز و کارهای پلیس به مردم و نهادهای جامعه مستلزم درک صحیح تعامل بین نهاد اصلی متولی پیشگیری از جرم مانند پلیس و سایر نهادهای اجتماعی است. در اصول پیشنهادی رابرت پیل تأکید شده است که: ارتباط پلیس به عنوان متولی امر پیشگیری و جامعه باید همواره به گونه ای باشد که این باور تاریخی که مردم و پلیس حقیقتی واحد و لازم و ملزوم یکدیگرند، عینیت یابد. به عبارت بهتر باید افراد پلیس تنها عضوی از جامعه تصور شوند که در ازای دریافت وجه، مکلف به انجام وظایفی هستند که در حقیقت امر، آن وظایف بر عهده همه افراد جامعه است (شاگری، ۱۳۸۵: ۲۳).

(فراهم آوردن زمینه مشارکت و همیاری نهادهای جامعه‌ی مردمی می‌تواند به پیشبرد سیاست پیشگیری و کنترل جرم در جامعه کمک شایانی کند و پلیس را در انجام وظایف محوله موفق کند. نهادهای اجتماعی یا جامعه‌ی مجموعه‌ای از ضوابط، مقررات و ارزش‌های اجتماعی اند که برای عملکرد افراد جامعه زمینه‌ی مشخصی را فراهم آورده و عملکرد آن‌ها را نهادینه می‌کنند. نهادهای اجتماعی در اثر یک نیاز اجتماعی تولد یافته و رشد کرده‌اند، از این رو، به طور منطقی هر نهاد اجتماعی کارکردی در رابطه با آن نیاز مشخص اجتماعی دارد (گلابی، ۱۳۷۲: ۱۰۰). پلیس می‌تواند از طریق مشارکت با اشخاص، گروه‌ها، بازرسان و طراحان مختلف شرکتی و سازمانی، متصدیان مشاغل، شوراهای شهر و روستا و سایر نهادهای جامعه‌ی که آمادگی همکاری با پلیس را داشته باشند، ضمن برجسته کردن نقش خود در جامعه، از قابلیت‌ها و توانایی‌های این نهادها در راستای کاهش و پیشگیری از وقوع جرم بهره بگیرد.

ضرورت و اهمیت موضوع

پلیس به لحاظ وظیفه و مسئولیت سنگین و خطیری که در راستای برقراری و حفظ نظم و امنیت جامعه بر عهده دارد، باید با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی علمی و عملی و درک صحیح از مأموریت‌های بسیار مهم و متنوع و بعضاً پیچیده و همچنین شناخت همه جانبه از محیط برون سازمانی در عرصه‌های مختلف بتواند جامعه را حفظ و به آن خدمت‌رسانی نماید و خدمت‌رسانی به آحاد مردم را در راستای حفظ امنیت آنان تسهیل نموده و به امور پلیسی در جامعه خود سامان دهد. پلیس اگر بخواهد در این مأموریت موفقیت و پیشرفتی داشته باشد، باید از قالب‌های سنتی خود خارج شده و

با نگاهی نواندیش و جامع به محیط درونی و بیرونی سازمان و جایگاه و نقش مردم و مشارکتهای آنان در عملیاتی شدن مأموریت‌های خود توجه داشته و در محاسبات و برنامه ریزی ها و برآوردهای اطلاعاتی و عملیاتی همواره مردم و جامعه را جزء مؤلفه های مهم مد نظر قرار دهد و برای این که این امر تحقق پیدا کند ، باید جامعه را با همه ویژگی ها ، خصوصیات و انتظاراتش از پلیس ، به شیوه علمی مورد بررسی قرار دهد. امروزه در پوشش نام و عناوین متعدد و متنوع از قبیل : پلیس راهبردی ، پلیس محله محور و ... سعی بر این شده است که پلیسی طراحی و سازماندهی گردد که محوریت آن جامعه باشد. و به عبارت دقیق تر پلیس جامعه محور به وجود آید بنابراین اگر چه عناوین و اسامی گوناگونی برای پلیس جامعه محور به کار رفته و ساختارها و روش های متنوع اجرایی برای پیاده سازی آن طراحی و تدوین شده است ، اما همه آنها در دو مؤلفه اصلی و زیربنایی با یکدیگر مشترک هستند. الف : تمرکز بر دخالت دادن مردم و نهادهای اجتماعی در امور جامعه و حل مشکلات انتظامی و دیگری استفاده مؤثرتر از بدنه اجرایی و عملیاتی پلیس با تکیه بر خلاقیت کارکنان آن در تحکیم ارتباط آنان با مردم و جامعه. با مردم بودن ، در دل اجتماع حضور معنی دار داشتن و با دغدغه ها و مشکلات مردم زندگی کردن سخت است ، اما وقتی پلیس به عنوان یک رکن از ارکان مهم مدیریت کشور بداند در کیفیت و سامان دهی زندگی مردم تأثیر گذار است ، کار کردن برای کارکنان آن جذاب و شیرین می شود. چه چیز مهم تر از این که سازمانی مانند پلیس ، این وظیفه مهم و سنگین را بر عهده گرفته است. یکی از مفاهیمی که در حوزه مربوط به مطالعات پلیس روز به روز توسعه و گسترش یافته و معنا و مفهوم جدیدتری پیدا کرده ، رویکرد پلیس جامعه محور

است. این مفهوم بر پایه این امر استوار است که پلیس برای اداره امور مربوط به خود در راستای حفظ امنیت جامعه از سرمایه های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف استفاده نماید و مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین و شاخص ترین نمادهای آن به حساب بیاید. پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی گردیده است. اگر پلیس بتواند با قدرت روحی، اراده، توانایی علمی و عملی در مأموریت‌هایش بر مجرمین و متخلفین غالب شود، مردم احساس عزت و سربلندی می نمایند. و این حاصل نمی گردد مگر با بهره گیری از مشارکت های مؤثر مردمی و نهادهای شکل گرفته از بطن مردم. مشارکت اجتماعی و مردمی از ملزومات تقویت و توسعه نظم و امنیت به شمار می رود و در فقدان آن، پلیس به تنهایی قادر به برقراری نظم و امنیت نخواهد بود. برنامه ریزی دستگاه های اجرایی برای رسیدن به توسعه اجتماعی و مشارکت عمومی مردم در پیشگیری از جرم در جامعه می تواند راهکاری مناسب برای کاهش جرایم و کاهش هزینه های مقابله با وقوع جرم در جامعه باشد.

مشارکت های مردمی با پلیس

مشارکت به کنش هدفدار اداری و اجتماعی با ویژگی کنش متقابل میان کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی او و قبول آگاهانه انجام امری یا بخشی از امور در شکل معاضدت، معاونت، همیاری و همکاری از روی میل و رغبت و نیاز و با هدف بهبود زندگی اجتماعی گفته می شود و به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار بر فرآیند امور و مسائل اجتماعی و توسعه ملی از سوی صاحب نظران مختلف مطرح شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۷: ۳۵). مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چند سویه

مطرح می شود ، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه ، همراه با عدالت اجتماعی در پی دارد (طوسی ، ۱۳۷۰ : ۵). بنابراین مشارکت شهروندان ، زندگی در شهر و سیاست ها و برنامه های مربوط به آن را برای افراد جامعه معنادار کرده و آنها را متقاعد و آماده مشارکت و سهیم شدن در اداره شهر می کند و حس تعلق به محله را در آنها تقویت می نماید. در شرایطی که اعضای جامعه در زندگی روزمره خود با مسائل و مشکلات بسیار و منابع محدود مواجه هستند ، مشارکت ، بیشترین سهم و نقش را در رویارویی با مسائل و مشکلات و کاهش آنها دارد. مشارکت مردم در امور مختلف در حقیقت راهی است برای بهره برداری هر چه بیشتر از این نیروی بیکران اجتماعی و کاستن از دامنه مسائل و گرفتاری هایی که کمابیش در جامعه با آن رو به رو هستیم . راهبرد مورد نظر در مشارکت مردمی در مقیاس های محلی و فرا محلی ، آزادسازی انرژی آنها و استفاده از پتانسیل های محلی برای دسترسی به منابع و توان بیشتر برای حل مشکلات است. از این رو امروزه هیچ جرم شناسی نمی تواند اهمیت مشارکت عمومی در کنترل جرم را رد کند. مشارکت مردم از طریق خانواده ، محله ، مدارس ، کسب و کارهای خصوصی و مؤسسات دولتی و غیر دولتی در جلوگیری از افزایش جرائم و بزهکاری ، در واقع ، دارایی بالقوه هر جامعه است (۱۸۵ : ۱۹۷۹ ، United Nations). مشارکت و مفهوم آن به دلیل اهمیت در زندگی اجتماعی ، به مهم ترین مفاهیم جامعه شناسی مربوط است. با شکل گرفتن مشارکت ، قواعدی بر گروه اجتماعی و رابطه اجتماعی بین اعضای گروه ، حاکمیت می یابد که سبب بروز نوعی از رفتار گروهی یا رفتار جمعی است. بخش اعظم مشارکت های جمعی در دل نهادهای اجتماعی مانند

خانواده ، اقتصاد ، سیاست و ... رخ می دهد. این مفهوم با مفهوم نهادهای اجتماعی ، رابطه ای تنگاتنگ پیدا می کند (خوشفر ، ۱۳۸۲ : ۲۵۹).

مشارکت مردم در امر پیشگیری متناسب با مقدرات هر جامعه متفاوت خواهد بود ، اما در هر حال ، مشارکت یا همکاری مردم در پیشگیری از وقوع جرائم ، به عنوان پیشگیری اجتماعی ، بهترین نوع پیشگیری است. (شایگان و اصغرزاده ، ۱۳۹۴ : ۶۹). تحقیقات انجام شده در ایران حاکی از آن است که سن ارتکاب جرم در جرائم مختلف در حال کاهش است (رجبی پور ، ۱۳۸۷). و بی گمان این کاهش یافتن سن ارتکاب جرائم ، نشان از عملکرد ناصحیح خانواده و اجتماع دارد. در استقرار سازوکارهای امنیت اجتماعی ، نقش مشارکت مردم بیش از هر اقدام سخت افزارانه ای حائز اهمیت است (هرسیچ و محمود اوغلی ، ۱۳۹۱ : ۱). مهم ترین ویژگی کارکنان پلیس برای مشارکت محلی مردم با آنان در امر پیشگیری از جرم ، شیوه برخورد ، صحت عمل ، وضعیت ظاهری ، ارتباط با مردم و آموزش آنان است. مهمترین ویژگیهای مردم برای مشارکت محلی آنان در امر پیشگیری از جرم با کارکنان پلیس ، میزان آگاهی از محیط اجتماعی و سیاسی خود ، نگرش آنان به عملکرد مجموعه پلیس ، انگیزه معنوی ، میل و اراده شخصی و شیوه پیش بینی پیامدهای مشارکت است. (جهانتاب و داودی ، ۱۳۹۱). مشارکت بین پلیس و شهروندان با تمرکز بر حل مسائل واقعی محل ، پاسخ های بهتری را برای مطالبات واقعی شهروندان به ارمغان آورده است. در طول دهه گذشته پلیس مبتنی بر حل مسئله ، مؤثرترین رویکرد شناخته شده است به شرطی که پلیس مسائل محلی را با عباراتی که شهروندان می خواهند ، تعریف کند. این رویکرد ، از یک فرآیند قوی حل مسئله

(شناسایی ، تحلیل راهبردی ، پاسخ و ارزیابی) ناشی شده و در وضعیت های متفاوت با موفقیت اعمال شده و تجربیات حاصل از آن ، به بهترین الگوهای عملی تبدیل شده اند. پلیس برای پاسخ گویی به خواسته های مردم و افکار عمومی با هدف ایجاد امنیت پایدار ، در رویکردی نوگرایانه ، به نیروهای جدید و منابع دیگری علاوه بر کارکنان خود در زمینه برآورده سازی انتظارات و ارتقای امنیت جامعه نیازمند است که در چارچوب کنش متقابل و همکاری بین مردم و حاکمیت ، که در اینجا پلیس نماینده آن است ، زمینه ساز افزایش ظرفیت تولید امنیت و نظم شوند و متناسب با این تغییرات بتوانند پاسخگویی انتظارات و خواسته های عمومی در این زمینه باشند. پلیس می تواند با کار مشارکتی با شهروندان ، نهادهای دولتی ، مدیران شهری و نمایندگان شهرداری ها ، به بهترین فرصت برای شناسایی مسائل جرم در سطح شهر دست یافته و کیفیت خدمات خود را در راستای بهبود امنیت در جامعه بهتر تعدیل و تأمین کند. پلیس به عنوان بخشی از نهادهایی که کار ویژه اصلی آن ایجاد و نگهداری نظم و امنیت است، اگر بخواهد از سرمایه مشارکت مردمی استفاده لازم را ببرد ، نخست باید بتواند بینش ضروری برای بهره مندی مناسب از این توانایی را در مجموعه خویش و در افراد و رویه ها و فرهنگ سازمانی فراهم آورد و همچنین زمینه های اجتماعی لازم برای این مشارکت را فراهم کند. پلیس با استفاده از ظرفیت سازمانهای مردمی مانند کمیته امداد ، بهزیستی ، اصناف و تشکل های کارگری و ... می تواند هرچه بیشتر با اعضای آنها که از بطن همین مردم اجتماع می باشند در راستای برقراری امنیت تعامل نماید.

پلیس جامعه محور

امنیت مهمترین نیاز جوامع بشری است که همواره در معرض تهدیدات گوناگون قرار داشته و هیچ گاه دارای ثبات، دوام و پایداری نبوده است. در این میان رویکردهای گوناگون پلیسی نیز نتوانسته اند پاسخگوی نیاز بشر در این زمینه باشند، شاید تنها رویکردی که می تواند تا حدودی پاسخگوی این نیاز بوده و مشکلات امنیتی جوامع را کاهش دهد، رویکرد جامعه محوری باشد. رویکرد جامعه محوری را به طور خلاصه می توان چنین تعریف نمود: ((یک راهبرد و خط مشی، با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرائم، کاهش ترس از جرم، ارتقای کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت فعالیت های پلیس از طریق تکیه بر منابع و امکانات درون جامعه، که در صدد تغییر شرایط جرم خیزی اند. این راهبرد مستلزم مسئولیت پذیری بیشتر پلیس، سهم شدن آحاد جامعه در فرآیند تصمیم گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی های مردم است.)) (همتی، ۱۳۸۶: ۱۳۶ - ۱۳۵) در تعریف مذکور ویژگی های مختلف رویکرد جامعه محوری به روشنی دیده می شود. ویژگی هایی همچون مشارکت شهروندان در تأمین امنیت، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش ترس از جرم، کاهش هزینه های کنترل اجتماعی و ... که این رویکرد را از سایر رویکردهای پلیسی و امنیتی متمایز می سازد، چرا که در این رویکرد بیشترین تأکید بر نقش و اهمیت مردم در تأمین امنیت می باشد. عبارت پلیس جامعه محور از دو کلمه پلیس و جامعه تشکیل شده است، در محیط پلیس جامعه محور، نقش جامعه بسیار قدرتمند بوده و تعامل اجتماعی برای موفقیت در این محیط، حیاتی است. در محیط یاد شده شهروندان دو نقش مهم ایفا می کنند. آن ها از یک سو مشتری و

درخواست کننده و بهره بردار از خدمات پلیس هستند و در مواردی نیز همکار پلیس محسوب می شوند (میس و اورتمایر ، ۱۳۸۵ : ۴۱۲). پلیس جامعه محور یعنی مردم پلیس خود بوده و با سازمان پلیس همکاری نمایند . و پلیس جامعه محور یا پلیس اجتماعی باید سازمانی باشد که مطالبات مردم را ارزیابی کند، نسبت به آن مطالبات پاسخگو باشد ، نتایج اقدامات خود را مجدداً ارزیابی کند و رفتار خود را اصلاح نماید. این پلیس امین مردم و اهل مدارا با آنان خواهد بود. سازمان پلیس به عنوان یکی از اصلی ترین سازمانهایی که وظیفه تولید نظم و امنیت در جامعه را بر عهده دارد ، در معنای عام آن ، با جامعه ای به مراتب پیچیده و سراسر دگرگون شده تر از قبل روبه رو است که شیوه های سنتی به آسانی نمی تواند بر آن اشراف اطلاعاتی یابد و وظیفه ذاتی اش را که ایجاد نظم و امنیت است ، به درستی ایفا کند. از این رو دستیابی به این هدف برای پلیس نیازمند بازنگری در به کارگیری منابع و به روز شدن در آگاهی و شیوه های اداره جامعه است. می توان این نگاه نو را در توجه بیش از پیش به نیروهای اجتماعی جامعه که مردم آن می باشند و وارد کردن آنها در مسیر اهداف مد نظر خویش مشاهده کرد. بنا بر این آنچه امروز موجب می شود سازمان پلیس ، در کنار بازاندیشی و نوسازی سازمانی در معنای کلی آن ، و توجه به مشارکت با سازمان های دیگر برای دستیابی بهتر به نظم و امنیت مطلوب به سوی چشم انداز جدید و مفهوم و عرصه ای مانند مشارکت مردمی روی آورد و در تلاش برای برقراری ارتباط با آن و بهبود آن برآید ، در چارچوب پلیس جامعه محور قابل تحلیل و بررسی است. در جهانی که بطور مستمر در معرض تغییر و تحول قرار دارد، سازمان پلیس هم همواره با چالش ها و فرصت های جدیدی مواجه خواهد بود. نظام پلیس جامعه گرا

یک راهبرد و فلسفه نظام پلیسی است که بر مبنای تعامل جامعه با پلیس و حمایت جامعه از پلیس استوار است، تا از این طریق بتوان از وقوع جرم پیشگیری کرد. در این راهبرد، اعضای جامعه یا محله به پلیس کمک می کنند تا مظنونان را شناسایی ، اراذل و اوباش و آشوبگران خیابانی را دستگیر و پلیس را نسبت به معضلات و مشکلات آگاه کنند. در این راهبرد ، با مد نظر قرار دادن اقدام و اصلاح و بهبود ارتباطات بین جامعه و پلیس ، ایده اصلی همکاری بین مردم و پلیس است که هر دو طرف از منافع آن بهره مند می شوند و اعتماد نتیجه این تعامل است. به هر میزان که این همکاری و تعامل و اعتماد پلیس و مردم نسبت به یکدیگر هدفمند توسعه یابد ، درک متقابل دو طرف نیز توسعه یافته می شود. به دنبال این درک ، امور بهتر سامان دهی شده و حمایت پلیس از مردم آسان تر و شرایط محیطی امن تر می شود. جامعه همگام با تغییر نیازهای خود ، روش هایش را برای حفظ آرامش تغییر می دهد. رویکرد جامعه محوری یکی از رویکردهای راهبردی اداره امور پلیسی در جوامع توسعه یافته می باشد که پس از دو دوره سیاسی و اصلاحات به وجود آمده است و در صدد رفع نواقص و کاستی های این دو دوره می باشد. در دوره سیاسی که تا ربع اول قرن بیستم ادامه یافت ، ادارات پلیس در حال شکل گیری بودند و پلیس پیوند نزدیکی با سیاست داشت. در این دوره پلیس غیر متمرکز و تحت اختیار شهرداری محل خدمت خود بود. رئیس پلیس اختیار برکناری کارکنان خود را نداشت؛ بنابراین نیروهای پلیس در این دوره اکثراً بی انضباط بودند. چون گشت پیاده معمول ترین راهبرد اداره ی امور پلیسی در این دوره بود. نیروهای پلیس رابطه ی نزدیکی با مردم محل مأموریت خود داشتند. در این دوره انتصاب و بکارگیری رؤسای پلیس با انگیزه

های سیاسی و به منظور حفظ منصوب کنندگان در جایگاه های قدرت صورت می گرفت. در این دوره منشأ فساد گسترش یافت. عدم کفایت و فساد پلیس منجر به آغاز دوره ی دوم اداره ی امور پلیسی یعنی دوره اصلاحات شد. در دوره اصلاحات تغییر اساسی تفکیک اداره ی امور پلیسی از سیاست بود. با جدا شدن اداره ی امور پلیسی از سیاست ، تغییری در تأکید بر نقش پلیسی به وجود آمد. رابطه میان پلیس و مردم در دوره ی اصلاحات تغییر کرد. مأموران پلیس ، مجریان بی طرف قانون بودند که با شهروندان از لحاظ حرفه ای ارتباطی خنثی و از راه دور داشتند. تبدیل گشت پیاده به خودروی ، فاصله ی میان پلیس و مردم را در دوره ی اصلاحات بیشتر کرد. مأموران پلیس ، مبارزان حرفه ای با جرم و جنایت تلقی می شدند. در نتیجه اداره ی امور پلیسی در دوره ی اصلاحات اغلب الگوی حرفه ای پلیس را تداعی نمود. به علت فاصله گرفتن پلیس از مردم ، عدم کارایی لازم در برخورد با مجرمین و نقش کم رنگ مردم در همکاری با پلیس ، دوران سوم اداره امور پلیسی یعنی عصر جامعه محوری آغاز شد. در دهه ۱۹۸۰ ، بسیاری از ادارات پلیس شروع به تجربه افزایش مشارکت جامعه در مبارزه با جرم و جنایت نمودند. در طول این دهه ، در بسیاری از ادارات پلیس ، علاوه بر توجه به رویکرد مسأله محوری ، پیشگیری از وقوع جرم جایگزین مبارزه با جرم شد. در طول دوره جامعه محوری که از دهه ۱۹۸۰ آغاز گردیده و تا کنون نیز ادامه دارد ، پلیس در پی برقراری مجدد یک رابطه نزدیک با جامعه است. و به عبارت ساده تر مأمورین پلیس در این دوره خود را بخشی از جامعه می دانند نه جدا از آن. وقتی مردم در جامعه با پلیس در راستای برقراری امنیت همراه می شوند و در می یابند که می توانند در بهبود کیفیت زندگی خود نقشی داشته باشند

، بین پلیس و مردم حس نیت ایجاد می شود و کارکنان پلیس مأموریتشان را بهتر و راحت تر انجام می دهند.

پیشگیری از جرم

اصطلاح پیشگیری از جرم از دو واژه پیشگیری و جرم تشکیل شده است. جرم تعریف شناخته شده و معروفی دارد که ((هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.)) (قانون مجازات اسلامی ، ۱۳۹۲) و واژه پیشگیری در مفهوم متادول آن در معنی عبارت است از ((پیش دستی کردن ، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن)) و همچنین عبارت است از ((آگاه کردن ، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن)) است. در گذشته از این واژه بیشتر معنای پیشگیری کیفری برداشت می شده که به معنی مجموعه ای از مجازات ها و اقدامات تأمینی است به گونه ای که در جوامع گذشته از انواع مجازات برای مقابله با جرائم و ایجاد رعب و وحشت در بزهکاران استفاده می شده است. در حالی که امروزه پیشگیری معنای جدیدی یافته و شامل مجموعه اقداماتی خارج از نظام کیفری است که هدف غایی آن منحصرأً به صورت جزئی ، محدود کردن دامنه ارتکاب جرم ، غیر ممکن کردن ، مشکل کردن ، کم کردن احتمال وقوع جرم است. (نجفی ابرندآبادی ، ۱۳۷۸ : ۱۴۷). پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی بخشی از یک رویکرد کلی نگر است که با اتخاذ برنامه هایی که احتمالاً منجر به ارتقای رفاه عمومی جامعه می شود، شناخته شده است. پیشگیری اجتماعی به دنبال بهبود توانایی مردم برای زندگی در محیط امن و مشارکت کامل در حیات اجتماعی است (سازمان ملل متحد ، ۱۹۹۰). لایحه پیشگیری از جرم نیز تعریف نسبتاً جامعی از

پیشگیری ارائه کرده است این لایحه بیان می دارد ((پیش بینی ، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن ، پیشگیری از جرم است)). برنامه های پیشگیرانه بنا بر گفته های جرم شناسانی از قبیل برانتینگام و فست در سه سطح قابلیت اجرا دارند.(کراوفورد ، ۲۰۰۷: ۸۷۰)

۱- پیشگیری مرحله اول که شامل آگاه ساختن محیط ها و اجتماعات عمومی نسبت به خطرات احتمالی بروز جرم است؛ پیش از آنکه اساساً جرمی به وجود آمده باشد.

۲- پیشگیری مرحله دوم شامل انجام اقداماتی برای افراد یا محیط هایی است که به دلیل دارا بودن برخی تمایلات و ویژگیها ، در معرض خطر بزهکاری تشخیص داده شده اند.

۳- پیشگیری مرحله سوم که این پیشگیری ناظر به بازخداد جرم است و با کانون توجه قرار دادن مجرمین ، بزه دیدگان و یا محل های ارتکاب جرم ، از تکرار بزه و جرم جلوگیری می کند.

افزایش سطوح مشارکت اجتماعی در کاهش و پیشگیری از وقوع جرم ، یکی از نشانه های موفقیت برنامه های پیش بینی شده پلیس محسوب می شود. اعضای جامعه و تشکل های مردمی و نخبگان جامعه بایست مشتاق کار با پلیس باشند و پلیس را در پیشگیری از انواع جرائم یاری نمایند. پلیس باید درک کند که مردم چگونه به ماهیت جرم و نقش پلیس نگاه می کنند . جرم از نظر دولت ، تخلف و عدول از قانون است و از نظر مردم مجموعه ای از مشکلات چند بعدی شخصی است. از نگاه دولت

ها، نیروی پلیس یک منبع دولتی و سیاسی برای تضمین کنترلی حفظ نظم و اطاعت از قوانین از سوی عموم مردم تلقی می‌شود و در تعریف آن به نیرویی اشاره شده که مسائل را حل می‌کند، ساختاری قانونی دارد، از سازمان بروکراتیک برخوردار است. اما از نگاه مردم نیروی پلیس یک منبع اجتماعی است که از سوی دولت در اختیار مردم قرار می‌گیرد و شهروندان برای حل مسائل شخصی که ماهیت اضطراری و بحرانی دارند، به آن رجوع می‌کنند. رویکرد اجتماعی پلیس بر اساس فلسفه تشویق مشارکت و همکاری بین پلیس و مردم استوار است تا از این طریق برای حل مسئله جرائم همکاری نمایند. در این راهبرد پلیس فعالانه و با تکیه بر قدرت مردم به مبارزه با جرائم پرداخته و با مسائل خاص و با هدف حل آن‌ها سر و کار دارد. تمام تلاشها در این خصوص متوجه برقراری رابطه‌ی نزدیک و عمل‌مبندی بر همکاری متقابل با شهروندان خواهد بود. در این راستا روابط اجتماعی و استراتژی‌های حاکم دائماً مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. هیچ‌یک از موارد یاد شده بدون تکیه بر سرمایه اجتماعی و ایجاد این سرمایه در میان شهروندان، پلیس و سایر سازمانهای خصوصی و دولتی میسر نخواهد بود (پینو، ۲۰۰۱: ۲۰۰). بنا بر این وقتی شهروندان و گروه‌های مردمی، کارکنان پلیس و سایر افراد در بخش‌های دولتی و خصوصی با یکدیگر همکاری می‌کنند، جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. و اگر به این سرمایه اجتماعی دست پیدا نکنیم، رویکرد اجتماعی پلیس هم با موفقیت همراه نخواهد شد. (پینو، ۲۰۰۱: ۲۰۳). کارکنان خط مقدم پلیس که همان واحدهای گشت پلیس می‌باشند نقش تعیین‌کننده‌ای در جلب مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرائم به عنوان حلقه اتصال بین افراد جامعه و سطوح مدیریتی پلیس محسوب می‌شوند.

همکاری و تعامل اجتماعی مؤثر می طلبد که مأمورین گشت پلیس در دسترس هر چه بیشتر اعضای جامعه باشند. پلیس باید با کارکردهای سنجیده خود، بستر و زمینه همکاری و مشارکت مردم در امور انتظامی جامعه را فراهم آورد و به مردم اطمینان بدهد که در برآوردها، برنامه ها و چگونگی اقدامات پلیسی نظر و دیدگاه جامعه را مد نظر قرار خواهد داد در این صورت جامعه با علاقه با پلیس در راستای پیشگیری و کنترل جرائم مشارکت خواهند داشت. پلیس باید با بکارگیری اقداماتی از قبیل گفتگو، گوش فرادادن به آنچه مردم طالب شنیدن آن هستند و دیدن آنچه مردم مد نظر دارند و همکاری مؤثر و مناسب با شهروندان، ارزش و بها دادن به افراد و گروه های جامعه، جایگزین ساختن ذهنیت ((ما)) به جای ((ما در برابر آنها)) زمینه تحقق تعامل با مردم و نهادهای مردمی جامعه را فراهم آورد.

چالش های رویکرد پلیس جامعه محور

در جهانی که به طور مستمر در معرض تغییر و تحول قرار دارد، سازمان پلیس همواره با چالش ها و فرصت های جدیدی مواجه خواهد بود. نظام پلیس جامعه گرا یک راهبرد و فلسفه نظام پلیسی است که بر مبنای تعامل جامعه با پلیس و حمایت جامعه از پلیس استوار است، تا از این طریق بتوان از وقوع جرم پیشگیری کرد. در این راهبرد، اعضای جامعه یا محله به پلیس کمک می کنند تا مظنونان را شناسایی، متهمین را دستگیر و پلیس را نسبت به مشکلات آگاه کنند. در این راهبرد، با مد نظر قرار دادن اقدام و اصلاح و بهبود ارتباطات بین جامعه و پلیس، ایده اصلی همکاری بین مردم و پلیس است که هر دو طرف از منافع آن بهره مند می شوند و اعتماد نتیجه این تعامل است. به هر میزان که این همکاری و تعامل و اعتماد پلیس و مردم نسبت

به یکدیگر هدفمند توسعه یابد، درک متقابل دو طرف نیز توسعه یافته می شود. به دنبال این درک، امور بهتر سامان دهی شده و حمایت پلیس از مردم آسان تر و شرایط محیطی امن تر می شود.

راهبرد و فلسفه پلیس جامعه محور، ایده نسبتاً جدیدی است که هم اکنون در کشورهای توسعه یافته مورد استفاده قرار می گیرد و اسناد بین المللی و یافته های پژوهشگران حاکی از آن است که این راهبرد در عمل با مسائلی روبه روست. پلیس کشورمان در حال گذار از رویکرد سنتی به رویکرد پلیس جامعه گرا است، بنا بر این بدون شک در این راستا با چالش ها و مشکلاتی مواجه است که در ادامه به آنها اشاره می کنیم. مواد مخدر و اراذل و اوباش از مسائل مهم چالشی هستند که به هسته جرم و جنایت نزدیک ترند که حل کردن آنها هدفی سخت در امور پلیسی می باشد. جا به جایی جرائم و مشکلات ناشی از آن نیز از مسائل مهم در این زمینه است. به تغییر کیفیت رابطه پلیس و مردم نیز می توان به عنوان چالش اصلی اشاره کرد. جامعه امروز دریافته است که استقبال از فلسفه پلیس جامعه گرا به معنای تعهد به بهبود روابط پلیس و مردم و تغییر فرهنگ پلیس است که غالباً بزرگ ترین مانع بر سر راه مشارکت واقعی مردم با پلیس است. تغییر فرهنگ پلیس و تغییر نگاه پلیس از جامعه و همچنین دیدگاه جامعه نسبت به پلیس کاری بس دشوار و سخت است، ولی برای محقق شدن واقعی ایده پلیس جامعه محور مسیری است که باید طی شود. فاصله در درک مفهوم امنیت از نگاه مردم و شهروندان، صاحب نظران، پلیس و محاکم قضایی و دولت از جمله مسائل و چالش های مهم در روند رویکرد پلیس جامعه گرا است، و به تبع آن مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرم را تحت

تأثیر قرار داده است. بنا بر این تا وقتی چنین حالتی در جامعه وجود دارد، انتظار این که مردم جامعه در امور پلیسی محله های خود از بعد مشارکت نقش آفرینی کنند متصور نیست. اقتضایی بودن تصویر ذهنی و عملی مردم از کارکردها و رفتارهای قانونی پلیس، یکی دیگر از چالش های مهم است. پلیس طبق قانون باید نظم و امنیت را در جامعه در راستای برقراری آرامش عمومی اجرا نماید و در این میان بناچار بایستی با هنجار شکنان و قانون گریزان برخورد قاطع نماید در چنین وضعیتی اگر مردم نسبت به مأموریت و وظایف و رسالت پلیس در برخورد با هنجار شکنان و مجرمین شناخت کافی نداشته باشند، آنچه را در صحنه عمل مشاهده می کنند، مبنای قضاوت قرار خواهند داد و آغاز چالش مورد نظر از همین جا شروع می شود و پلیس باید هزینه زیادی متحمل شود تا ذهنیت مردم جامعه از این مسأله شفاف گردد. از دیگر مشکلات و چالش های روبه روی پلیس می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- برابر قانون و وظیفه ای که بر دوش پلیس گذاشته شده است، تأمین نظم و امنیت جامعه و مردم آن بر عهده پلیس است اما نباید از این مسأله غافل شد که سازمانهای زیادی چه در سطح وزارتخانه ها و چه سایر سطوح سازمانی در تولید و حفظ نظم و امنیت جامعه مسئول و دارای وظایفی در این خصوص هستند که باید به آنها عمل نمایند. بدون شک نقش اختیارات و قدرت پلیس برابر قانون در این میدان از سایر سازمانهای مرتبط با این مأموریت سنگین تر و حساس تر است. بنابراین تا زمانی که مدیریت واحدی بین سازمانهای دیگر و پلیس سازمان دهی و سامان دهی نشود و هر سازمانی جزیره ای عمل نماید چه بسا مردم در امور زندگی و حل مشکلات امنیتی

خود دچار سردرگمی شوند و در نهایت تصویر ذهنی منفی در اذهان آنان شکل گیرد.

۲- منابع محدودی در راستای برقراری نظم و امنیت در اختیار پلیس می باشد که می تواند به عنوان یک چالش مطرح باشد. مردم در هر حال از پلیس برقراری نظم و امنیت جامعه را خواستار هستند که راهبردهای پیشگیری از جرم شاید بهترین و کم هزینه ترین راهبرد باشد که بایستی مردم با مشارکت فعال و نقش آفرینی در این خصوص همیار پلیس جامعه محور شوند.

۳- نبود یک تعریف واحد و جامع از مفهوم رویکرد پلیس جامعه محور و تبیین آن در جامعه ایرانی علی رغم وجود یک فرهنگ اصیل اسلامی و انسانی و ارزشی در کشور که می بایست این موضوع در جامعه ایرانی نهادینه گردد.

۴- برآوردها و روش های عملی که پلیس برای انجام وظیفه در قالب برنامه های کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت در جامعه اعمال می کند ، با دخالت بعضی مقامات دولتی و اظهار نظرهای آنها در برخی موارد تضعیف و خنثی می گردد. در چنین وضعیتی پلیس برای دستیابی به اهداف تعیین شده خود با چالش هایی روبه رو می شود. در این چالش ها به طور عمده میان نوع نگاهی که پلیس به امور جامعه دارد و برخی مسئولین دولتی تفاوت وجود دارد. در این میان این که تکلیف مردم جامعه چه خواهد بود دقیقاً مشخص نیست. و این همان نکته ای است که وقتی این چالش ها رفع نگردد ، ناگزیر فرصت های خوب بین همکاری مردم و پلیس از بین خواهد رفت.

مشکل اساسی و مهم در امر پیشگیری از جرم آن است که پیشگیری از جرم دغدغه جانبی اکثر دستگاه های مسئول است و دغدغه اصلی آنان به حساب نمی آید و این در حالی است که مردم از پلیس جامعه محور انتظار اقدام تام دارند.

نتیجه گیری

کارهای پلیس ، نمونه ای از کارهای متنوع و پیچیده است و این بدین معنی است که پلیس جامعه گرا و کارهای آن به مرور زمان و متناسب با نوع خواسته های مردم جامعه ، شرایط و موقعیت هایی که با آن مواجه است تغییر می کند. و مردم جامعه بایستی در راستای پیشبرد این امور با پلیسی که مبنای آن جامعه محوری است همکاری و مشارکت نمایند تا پلیس بتواند بار سنگین مسؤلیت برقراری نظم و امنیت را به دوش بکشد. امور پلیس جامعه محور در واقع بر مبنای ارج نهادن به مشارکت مردم و تبدیل آن به امنیت اجتماعی است. پیشگیری از آسیب های اجتماعی در راستای تأمین امنیت ، برآوردن نیازهای انسانی افراد جامعه و توسعه ی اجتماعی آنان در خصوص برقراری امنیت در جامعه نیازمند مشارکت آحاد افراد جامعه و همکاری فعالانه آنان با پلیس می باشد تا نتایج به دست آمده در این خصوص با سرعت بیشتر و به صورت کیفی تر رخ دهد. مردم جامعه بایست مشارکت با پلیس جامعه محور را باور نموده و ارزشهای والای معنوی و انسانی آن را درک نمایند و این محقق نمی گردد مگر با ایجاد حساسیت در مردم و مسؤلین و ارائه رفتار مناسب و درخور شأن مردم و احترام متقابل آنان از سوی کارکنان پلیس . همچنین پلیس با استفاده از ظرفیت سازمانهای مردمی مانند کمیته امداد ، بهزیستی ، اصناف و تشکل های کارگری و ... می تواند هرچه بیشتر با اعضای آنها که از بطن همین مردم اجتماع می

باشند در راستای برقراری امنیت تعامل نماید. میزان همکاری و مشارکت افراد جامعه با پلیس در گرو اخلاق و رفتار مناسب پلیس با شهروندان است. زبان و کلام کارکنان پلیس که نشان دهنده شخصیت و نحوه برخورد آنان با مردم است، از مهمترین ابزار پلیس جهت ایجاد ارتباط با مردم می باشد که در این خصوص ضرورت دارد پلیس رفتاری توأم با تکلم صحیح و با نزاکت همراه با خویشتنداری و سعه صدر داشته باشد تا بتواند زمینه های مشارکت و توسعه همکاری مردمی را در راستای برقراری امنیت و آرامش در جامعه ایجاد نماید. پلیس بایستی با ایجاد بسترهای مناسب زمینه ها و ساز و کارهای مشارکت مردم را در خصوص همکاری آنان با مجموعه خود را فراهم آورد. بایستی تسهیم و توزیع مسئولیت های امور پلیسی در جامعه در بین مردم و سازمانهای دولتی و مردم نهاد و بخش خصوصی برای پیشبرد اهداف پلیس جامعه گرا با تکیه و توجه ویژه به مقوله پیشگیری از وقوع جرم صورت پذیرد. استفاده بهینه از بسترها و ظرفیت های مشارکت مردمی می تواند در برقراری هر چه بیشتر جامعه ای امن و برخوردار از نظم و انضباط جهت شکوفایی هر چه بیشتر اجتماعی و اقتصادی آن مؤثر و راهگشا باشد.

منابع

- غفاری غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۸). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول، ۷۶ - ۵۵.
- سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی، تهران: سمت.

نجفی ابرند آبادی ، علی حسین (۱۳۸۲). پیشگیری از بزه کاری و پلیس محله ، در معاونت پیشگیری قوه قضائیه ، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم ، تهران : معاونت پیشگیری قوه قضائیه.

عبدی ، توحید (۱۳۸۵). تغییر نگرش ها و ساختار مدیریتی در پلیس ایران.مجموعه مقالات اولین سمینار پلیس ، توسعه و دانشگاه ، معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی. خوش فر ، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی و مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی ، تهران معاونت اجتماعی ناجا ، جلد اول نیازپور ، امیر حسین (۱۳۸۵). اقدام های دستگاه های دولتی ایران در زمینه پیشگیری از جرم ، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی ؛ ش ۲۰.

شاکری ، حسین (۱۳۸۵) رهبری اصول اخلاقی و پلیسی چالشهای پیش روی پلیس در قرن ۲۱ ، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا ، چاپ اول.

رجب زاده ، صفاری (۱۳۸۶) ، بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از وقوع جرم ؛ ش چهارم.

10- Gowri , Adit(2003), Community Policingis an Epicycle,Policing:An International Jornal of Police Strategies and Management , Vol.26 No.4 ,pp.591-611.

11-Pino W . Nathan (2001) , Community Policing and Sosil Capital , Policing,24 , 2 , Academic Research library. P . 200.

